

گرمی داشت رضاسید حسینی

مورد کارهای فرهنگی اش و بار دوم برای خواندن بخش هایی از آخرین ترجمه اش که داستانی از آندره ژید است و در همین فرصت بود که او بار دیگر به ظرافت های ترجمه اشاره کرد و این که آیا اصولاً شعر قابل ترجمه است یا نه و این که چگونه می توان یک شعر را به زبان دیگری برگرداند.

در همین بخش سید حسینی دو شعر ترجمه شده را که یکی با ترجمه خودش و دیگری با ترجمه مدیا کاشیگر در مجموعه مکتب های ادبی چاپ شده است به عنوان دو نمونه از شعرهایی که از نظر خود او ترجمه مطلوب و رسایی دارند خواند که هر دو شعر به شدت مورد توجه قرار گرفت.



■ فرهنگ آثار اثری ماندگار
احمد سمیعی گیلانی
دوست و همکار قدیمی رضا
سید حسینی که در حال حاضر نیز
در تدوین فرهنگ آثار با وی

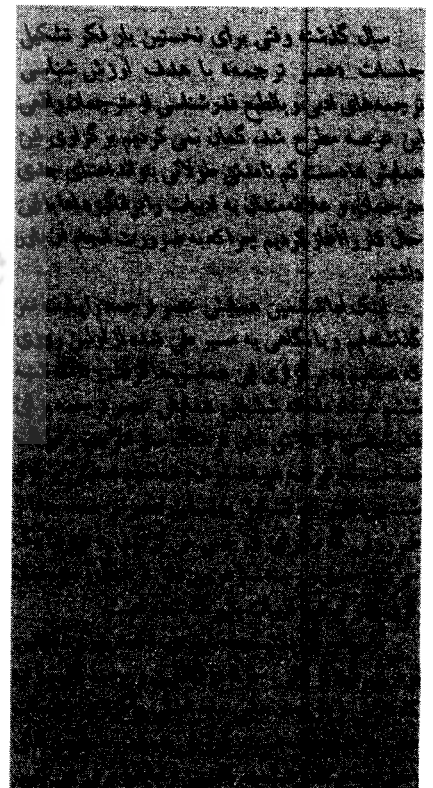
همکار است در مورد سید حسینی گفت: درباره سید حسینی صحبت کردن هم آسان است و هم مشکل، مصاحبت با او اما بسیار دلنشین است در طی همه سال هایی که همدیگر را می شناسیم تا حالا برخوردی از او ندیده ام که به امور مادی برگردد، رابطه من با سید حسینی بر پایه کشش عقلی بوده و هست و اکثر آرد مورد ادبیات، فرهنگ و هنر حرف می زنیم. آشنایی من با سید حسینی با خواندن کتاب «درتگ» آندره ژید شروع شد آن هم زمانی که از یک زندان چند ماهه تازه آزاد شده بودم و زمان مناسبی بود که کمی فضای ذهنی ام را عوض کنم. آن زمان به نام مترجم توجه نمی کردم و محتوا برایم مهم بود حتی اسم رضاسید حسینی در ذهن من نبود. اما کم کم که با زبان ویژه او آشنا شدم به خواندن ترجمه هایش علاقه مند شدم. زبان سید حسینی زبان خاصی است زبان ژورنالیستی ادبی یعنی یک زبان زنده و راحت است. زبانی زنده و راحت که در عین راحتی عمق دارد و کلماتش حساب شده است. او در ترجمه صاحب سبک است و جالب این که همیشه در جستجوی نکات تازه است، او با آخرین جریان های هنری و فکری غرب آشناست.

او سراغ مطالبی می رود که عمق بیشتری دارند، سید حسینی از معدود مترجم هایی است که به نیاز فرهنگی جامعه شان توجه دارند، او بخش عظیمی از خلاء فرهنگی ما را در ترجمه پر کرده است. شعرهایی که او ترجمه کرده مایه اعجاب هستند، ایجاز و سطح شعر او شگفت انگیز است. اما یکی از نکات جالب برای من این است که او هیچ وقت

رضاسید حسینی هنگامی که برای سخن گفتن درباره خودش و آثارش دعوت شد حرف هایش را با این جمله شروع کرد که: از مشخصات من این است که ادبیات نخوانده ام و علوم ارتباطات خوانده ام و شاید اگر فضل الله توکل نبود من هیچ وقت مترجم نمی شدم.

او سپس در مورد خاطراتش گفت و از زمان آغاز کار ترجمه و برخوردش با پژمان بختیاری نویسنده، مترجم و شاعر صاحب نام که ناظم مدرسه و معلم او بود. سید حسینی گفت: اولین اثرم راز ترکی آذری به فارسی ترجمه کردم. آن زمان زبان فرانسه ام بسیار بد بود چون معلم بسیار بدی هم داشتم. پس از مدتی برای یادگیری فرانسه به انستیتو رفتم و بعد کم کم فرانسه را بهتر یاد گرفتم وقتی اثری از بالزاک را ترجمه کردم تازه فهمیدم ترجمه از ترکی به سبب ساختار زبان ترکی سخت تر از ترجمه از زبان فرانسه است. چون کنار هم چیدن کلمات ترکی کار دشواری است. مدتی هم با جلال خسروشاهی کار می کردم و با هم ترجمه می کردیم اما پس از مدتی کار را به تنهایی ادامه دادم.

رضا سید حسینی در جلسه عصر ترجمه دوبار به پشت تریبون دعوت شد، یک بار در ابتدای جلسه برای معرفی بیشتر خودش و دادن تاریخچه ای در



برای صحبت و سخنرانی آماده نیست و هر وقت اراده کند و از او دعوت بشود که در پشت تریون مجلسی حتی مجالس بسیار رسمی قرار بگیرد بدون کوچکترین نوت و نوشته‌ای صحبت می‌کند و در بی‌نظمی سخنانش شیرینی خاصی هست. سمیعی گفت خیلی دلم می‌خواست تدریس ایشان را می‌دیدم چون شاگردانش بسیار کلاس هایش را دوست دارند. سپس با اشاره به فرهنگ آثار این مجموعه شش جلدی را ثمره چندین سال از عمر سیدحسینی دانست و گفت: این اثر یک حادثه فرهنگی است و نه تنها یک دانشنامه آثار چرا که این نوع کارها ماندگارند و باید قدر آن‌ها را دانست.

■ نثر ویژه سیدحسینی

علیرضا حیدری مدیر انتشارات خوارزمی قدیمی‌ترین ناشر آثار سیدحسینی که دو اثر مهم او یعنی ضد خاطرات و امید اثر آندره مالرو را منتشر کرده است و آمده بود تا در قدردانی از سیدحسینی سهمی ادا کند. در مورد پیشینه آشنایی اش با سیدحسینی گفت: اولین ترجمه‌های ایشان را در هفته نامه‌ای به نام «صبا» دیدم و بعدها با هم آشنا شدیم و این آشنایی ادامه یافت تا زمانی که من با مجله سخن که ایشان سردبیرش بودند به عنوان ادیتور همکاری می‌کردم و همان وقت به نکته‌ای که تا آن زمان می‌دانستم، یقین پیدا کردم و آن هم این بود که نثر سیدحسینی، نثری ویژه، پیراسته و بدون غلط است. و فکر می‌کنم الان دوره‌ای است که جوان‌هایی که می‌خوانند قلم به دست بگیرند باید آثار سیدحسینی را با چشم یادگیری و توجه به نثر او بخوانند.

حیدری دیالوگ نویسی خوب را از ویژگی‌های کار سیدحسینی دانست و گفت: مثلاً زبان افلاطون زبان درام است و همه‌اش دیالوگ است و بسیاری از مترجمان معنی را فدا می‌کنند تا زبان روان شود. اما سیدحسینی می‌تواند دیالوگ بنویسد برای این متن و معنی را هم فدا نکند هر چند که سیدحسینی ترک است یعنی زبان فارسی را آموخته است اما به ادبیات آن مسلط است و از این نظر ترجمه‌های این چنینی او بسیار ارزشمند است.

او نیز در مورد فرهنگ آثار که سیدحسینی عهده دار مسئولیت تدوین آن است گفت: این فرهنگ وسیله‌ای است برای فرار از هرج و مرجع فعلی که بر روزنامه نگاری و حتی کتاب نویسی ما در تلفظ درست اسامی نویسندگان، شعر و نخبه گان فرهنگی خارج از کشور حکم فرماست و معتقدم این کتاب در حد یک دایره‌المعارف برای همه ما لازم است.

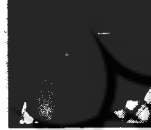
■ توجه به ارزش‌ها



سخنران بعدی جلسه عمران صلاحی مترجم، شاعر و طنزنویس بود، او گفت: ویژگی استاد سیدحسینی این است

وقتی ترکی می‌نویسد ترکی فکر می‌کند و وقتی فارسی فکر می‌کند فارسی می‌نویسد درست برخلاف بسیاری از نویسندگان و مترجمان که مثلاً ترکی فکر می‌کنند و فارسی می‌نویسند و در نهایت ترجمه شان رنگ و بوی زبانی را که به آن فکر می‌کنند دارد. وی گفت امثال سیدحسینی، احمد سمیعی و نجف دریابندری فرهنگ این مملکت را ساخته‌اند و باید آن چنان که باید قدرشان را شناخت. تنها توجه به ارزش کتاب مکتب‌های ادبی به عنوان یک اثر بسیار مهم کافی است که به این مسئله معتقد بشویم. صلاحی گفت: فروتنی استاد سیدحسینی عجیب است ایشان همیشه اطرافیان را شرم‌زده خود می‌کنند و نکته بسیار جالب جوان بدون فکر ایشان است، من بسیاری از آثار مدرن ادبیات امروز را با ایشان شروع کردم.

■ گنجینه زبان و ادبیات



ابوالحسن نجفی مترجم، زبان‌شناس و یار قدیمی سیدحسینی گفت: ترجمه دو سو دارد، زبان مبدا و زبان

مقصد و مسئله انتقال از زبان مبدا به زبان مقصد است اما در اکثر موارد همه توجه‌ها به زبان مبدا است البته این مهم است اما آن چه که اهمیت بیشتری دارد زبان مقصد است و این تصور باطل است که زبانی که اثر به آن ترجمه می‌شود را زبان مقصد بدانیم جز در پاره‌ای موارد اکثر این زبان زبان مادری است نه فقط زبان مقصد.

نجفی افزود: خوب می‌دانیم که در بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات نقص اساسی زبان فارسی آن هاست و باید با مطالعه آثار بزرگانی مثل سیدحسینی شناخت درستی از زبان فارسی برای اصلاح این نقص به وجود آید. وی اضافه کرد سه تن از بهترین مترجم‌های ما زبان مادریشان فارسی نبوده یعنی سمیعی، مرحوم محمد قاضی و سیدحسینی جزو افرادی بوده‌اند که زبان مقصد زبان مادریشان نبوده و برای تسلط به فارسی شعر و ادبیات فارسی را خیلی جدی خوانده‌اند، او با توصیه به جوان‌ها گفت برای یادگیری زبان فارسی خواندن روزنامه‌ها و مطالب روز اصلاً کافی نیست چرا که زبان فارسی از استثنای‌ترین زبان‌های دنیاست و با هزار سال سابقه برای یادگیری عمیق آن خواندن آثاری مثل تاریخ بلعمی و متون قدیمی بسیار مهم است. وی اشاره کرد که زبان تحول پیدایمی‌کند، اما زبان فارسی امروز ما چنان تحول پیدا کرده که اگر نویسندگان قرون پیش زنده می‌شدند نمی‌توانستند زبان ما را بفهمند. زیرا زبان تحول پیدا کرد. اما این از قدرت و توانایی زبان فارسی است که

ما همچنان زبان آن‌ها را علی‌رغم این همه تحول که در زبان امروز اتفاق افتاده می‌فهمیم، بنابراین از این توانایی‌ها نباید غافل بود و باید با مطالعه جدی متون کلاسیک و ادبیات قدیم فارسی این توانایی را در خودمان تقویت کنیم و شناخت بهتری از زبان پیدا کنیم.

نجفی ضعف مترجم امروز را به صراحت ناآشنایی با ادبیات و شعر فارسی دانست و گفت: بهترین مترجم‌ها امروز کسانی هستند که بیشترین وقت خود را صرف خواندن آثار کلاسیک ادبیات فارسی و شعر کرده‌اند.

■ انسان حیوان مترجم



مدیا کاشیگر شاعر و مترجم، وقتی پشت تریون قرار گرفت گفت: تصمیم داشتم درباره

آخرین ترجمه سیدحسینی از آندره ژید صحبت کنم اما فکر می‌کنم بحث برای این مجلس خیلی تخصصی می‌شود بنابراین بحث را در مورد ترجمه آغاز می‌کنیم. وی گفت: ارسطو انسان را حیوانی سیاسی می‌دانست اما من فکر می‌کنم انسان حیوان مترجم است. چرا که آن چه که فکر می‌کند ترجمه می‌کند و در قالب کلمات بیان می‌کند. تسلط به زبان‌های مبدا و مقصد و توانایی در انتقال مفهوم و تسلط به موضوعی که ترجمه می‌شود در ترجمه اصل است و سیدحسینی در این سه موضوع تسلط کامل دارد.

کاشیگر افزود تخصص در ترجمه یکی از پیچیده‌ترین تخصص‌های جهان است. تعدد زبانی به تحول فکری کمک می‌کند و این مصداق بارز توانایی‌های سیدحسینی است وی گفت اشتاینر می‌گوید کار مترجم ایجاد انسجام در یک شرایط هرج و مرجع است. اقدام مترجم به هم زدن تعادل است، متنی که در زبان خود تعادل دارد به هم می‌ریزد تا در زبان بعدی برای مفهوم آن کلمات را برگزیند و کنار هم قرار دهد و دوباره این هرج و مرجع را به یک نظم مجدد در زبان مقصد تبدیل کند؛ پس وظیفه اصلی مترجم بازسازی مجدد این تعادل است و این امری است که سیدحسینی در پی آن بسیار کوشید.

■ نصرالله قادری کارگردان و نویسنده تئاتر که مدتی در کلاس‌های تئاتر فرهنگسرای نیاوران که سیدحسینی مدرس آن‌ها بوده شاگرد سیدحسینی بوده طی سخنانی در مورد روش تدریس سیدحسینی گفت: سیدحسینی در عین بی‌نظمی یا نظمی پنهان به ما مفاهیمی را آموخت که نگاه ما را به تئاتر عوض کرد. وی گفت ما به یمن وجود فردی به نام سیدحسینی افلاطون را شناختیم، ارسطو را شناختیم و فهمیدیم که تئاتر همه چیز است. تئاتر، فرهنگ است و ملتی که تئاتر ندارد فرهنگ ندارد و این نگرش ما را به شطلمان عوض کرد و این را مدیون استاد هستیم. استاد به ما یاد داد که قبل از این که هنر مند باشیم، نویسنده باشیم یا... آدم باشیم. در پایان این مراسم احمد سمیعی لوح تشکر را از سوی تحریریه مجله آزما به سیدحسینی اهدا کرد.